

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

ی. نگاه

۱۶ اگست ۲۰۱۸

## تابوت های برکتی

کابل قلب وطن است و برای سراسر کشور می تپد، جلسه می گیرد، گزارش می دهد و پروژه می سازد.

چند روز قبل که غزنی سقوط کرد ضربان کابل تند شد و هیجان، غم و شادی در درگهایش با شدت بیشتر به جریان افتاد. ساکنان عادی کابل که نه در اسلام آباد بوریا دارند و نه در واشنگتن ستاره، اندوهگین شدند اما اندوه میلیونی این بیستارگان مثل کارتوس خالی بی ارزش است و کوتکوتش را هم کسی به صد دالر نمی خرد. بوریا داران شاد شدند، چپک خود را صافی زدند، ریش خود را حنا کردند و نماز شکرانه خواندند. ستاره داران اما به تک و دو افتادند، هیجان و امید را می شد در چهره های شان دید. جلسه پشت جلسه، ملاقات پشت ملاقات، تلفون پشت تلفون و ایمیل بازی در درون ادارات و از این اداره به آن اداره راه افتاد.

در این چند روزی که غزنی می سوزد رئیسان مؤسسات، ارشدهای ادارات دولتی، کلانهای سفارتخانه ها و قراردادی های خصوصی با انرژی بیشتر سر کار می روند. برخی ها هیجان دارند، چون روزنه تازه برای مصرف بودجه شان پیدا شده و فرصت تازه برای نوشتن پروپوزل یافته اند.



رئیس ما روز دوم جنگ، جلسه اضطراری برگزار کرد و درحالی که هیجانش را به سختی پنهان می کرد جلسه را با ابراز همدردی و غم شریکی با همکاران غزنی چی شروع کرد و فوراً سر اصل مطلب رفت. او گفت: "همکاران عزیز، تلفات غزنی زیاد است. می گویند صدها جسد در سرکها، شفاخانه ها و پس کوچها افتاده. احتمالاً مردم با کمبود تابوت مواجه می شوند. به نظر من باید دست به کار شویم و ابتکار به خرج داده

چندصد تابوت عاجل فرمایش دهیم و در عرض دو روز به غزنی برسانیم. مطمئنم هیچ نهاد دیگری تاکنون به این موضوع فکر نکرده و ابتکار ما حتماً با استقبال دونه ها مواجه می شود".

غم غزنی یاد ما رفت. غنچه‌های لبان همه ما شگفت و چک چک کردیم. رئیس تشکر کرد و فیصله شد که مسئولین تدارکات فوراً به جاده میوند رفته تابوت‌ها را سفارش بدهند.

عده‌ای اما بلند منزل ناتمام یا باغ ناتکمیل دارند، موترشان از مد افتاده یا بسیار وقت شده که ترفیع نکرده‌اند. جنگ غزنی با خود دویدن، پرینتیشن دادن، کمک رسانی، بازسازی، مساعدت به خانواده‌های شهداء و زخمیان و بسیار مصروفیت‌های دیگر در پی خواهد داشت و میلیون‌ها دالر "تاوبالا" خواهد شد و ماه‌ها کاروبار و غریبی به وجود خواهد آمد. باغ‌ها تکمیل خواهد شد، بلند منزل‌ها به سر خواهد رسید و موترهای مدل بالا خریده خواهد شد.

از شما چه پنهان، دیروز وقتی تابوت‌ها را روان کردیم، مرا نیز هیجان گرفته بود. پول سه تابوت حق من رسید. نقد گرفتم و قصد دارم فردا وقتی برگشت از دفتر به پوشاک استامبول رفته یک جوره دریشی مد روز فرمایش بدهم. چه کنیم، نخوری هم نمی‌شود. آدم از سیال و اوڈر پس می‌ماند. باز به یک دریشی من نه غزنی آباد خواهد شد و نه برباد. خداوند خودش رحم کند.